

فرهنگ زبان یهودیان کاشان

همراه با راهنمای تلفظ و ترجمه به زبانهای فارسی و انگلیسی

«فرهنگ لغات یهودیان کاشان»

*A Dictionary of the
"Kashani Jewish" Dialect*

*With English Translation and Pronunciation Guide to
This Old Language*

فرهنگ لغات یهودیان کاشان

سخن سر دبیر

بدون تردید جامعه یهودیان ایران از اصیل‌ترین یهودیان دنیا و یکی از کهن‌ترین گروه‌های قومی‌اند که از دیرباز در ایران زمین اقامت داشته‌اند. پس از واقعه ویرانی بیت همیقداش و به اسارت رفتن یهودیان به بابل و در پی آن مهاجرت آنها به سرزمین پهناور ایران، فصل جدیدی در ارتباط با زبان، فرهنگ و مردم آریایی برای آنها شکل گرفت. یهودیان در گذر ۲۵۰۰ سال از اقامتشان در ایران فراز و نشیب‌های متعددی را متحمل شدند، تهاجم اقوام مختلف از شرق و غرب با زبان و فرهنگ‌های متفاوت تاثیرات نامناسبی برجای گذاشت و بر اثر این تعرضات زبان یهودیان ایران هم در طی تاریخ دستخوش تغییرات اساسی گردید. در گستره جغرافیایی مردم فارسی زبان یهودیان گویش ویژه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند که حاوی واژگان اصیل پارسی بوده. همچنین باید در نظر داشت گرایش‌های مذهبی عاملی مهم در حفظ بقاء یهودیت و فرهنگ نوشتاری فارسیهود بوده است.

پس از سکنا یافتن یهودیان در اقصی نقاط ایران، به مرور مهاجرین تازه‌وارد مجبور شدند برای ارتباط و امرار معاش، زبان مردم سرزمین جدید خود را فرا گیرند. اگر چه در طی تاریخ همواره متحمل مشقات، محدودیت‌ها و تبعیضات شدند، با این وجود توانستند نه تنها در زمینه‌های اقتصادی که در زمینه‌های علمی، هنری و فرهنگی موفق شوند و به شهرت برسند. در این میان شهر کاشان بستر مناسبی بود برای خلق آثار ادیبانه شاعران و اندشمندان بسیاری چون «دان شموئیل»، «بابائی بن لطف» مولف کتاب «آنوسی» و ادامه آن «بابایی بن فرهاد» نیز «شموئیل پیر احمد»، «بنیامین بن الیاهو»، «سرمد صوفی»، «ربی یهودا بن العازار» فیلسوف و فقیه صاحب کتاب «ارجمند حبوت یهودا»، «یهودا لاری»

همچنین هنرمند و موسیقیدان بزرگ عصر قاجار، «موسی خان کاشی» را می‌توان به این اسامی اضافه نمود. ضمن آنکه آثار نوشتاری یهودیان ایران قبل از دوران صفویه تا اوایل دوران پهلوی، فارسیهود بوده. حتی داد و ستدها، تبادل اسناد و مکاتبت‌ها از این امر مستثنا نبوده‌اند.

با استناد به یادداشت‌های «هایده سهیم» گویش اکثر یهودیان ایران به دوبخش تفکیک شده است. گویش آرامی که در مناطق شمال غربی ایران، یهودیان ارومیه، سنندج و یهودیان مناطق کردستان و جنوب غربی رواج داشته و دومین آن گویش پارسی (مادی) که هم در مناطق جنوبی و هم در مناطق مرکزی صحبت می‌شده است و به گویش مرکزی معروف است. گویش یهودیان کاشان همانند گویش یهودیان همدان، اصفهان، گلپایگان، نطنز، خونسار، اراک، ملایر و ... در رده گویش‌های پارسی یا مرکزی قرار گرفته‌اند و در قالب مجموعه گویش‌های اختصاصی جوامع یهودی در سایر مناطق ایران جای می‌گیرد که برای ایمنی و جلوگیری از درک مکالمات افراد جامعه توسط دیگران هم مورد استفاده قرار می‌گرفته.

طبق پژوهش‌های زبانشناسی گویش کلیمیان کاشان و سایر گویش‌های کلیمیان ایران را باید در چارچوب مجموعه گویش‌های جیدی یا لاتورایی مورد توجه قرارداد. گویش کلیمیان کاشان و دیگر گویش‌های کلیمیان مبتنی بر زبان‌های باستانی ایران از جمله زبان پهلوی و زبان‌های محلی‌اند. این گویش‌ها، معدود واژگانی را نیز از زبان عبری در خود دارند. به بیان دیگر، یهودیان ایران در گوشه و کنار کشور و از ۲۷۰۰ سال پیش بار امانتی بس گران را بر دوش کشیده و پشت به پشت به فرزندان خود سپرده‌اند.

باید در نظر داشت نوشتارهای فارسیهود از لحاظ سبک شناسی می‌توانند شامل متون کلاسیک و ادبی و یا لهجه‌های محلی باشند. این نوشتارها اکثراً سه رکن یهودیت، ایران و اسلام را در آن واحد در بردارند. کار بُرد و تناسب این سه رکن بر حسب نوع متن،

متفاوت است. در متون ادبی، جنبه‌های ایرانی، در متون مذهبی، جنبه‌های یهودی و در اکثر متون فلسفی و یا عرفانی، نشانه‌های اسلامی را بیشتر می‌توان مشاهده کرد. از نظر موضوع نیز این نوشتارها، می‌توانند مفاهیم مذهبی و غیرمذهبی، علمی و عرفانی و یا تاریخی و امور زندگی روزمره را در برداشته باشند. همچنین نحوه خواندن تفیلاها (دعا و نماز) و قرائت توراها در شب‌ها، برگرفته از ریتم و آهنگی است که یهودیان سفارادی سال‌ها به‌طور سنتی در اروپا اجرا می‌کردند. در بین شهرهای اطراف کاشان هستند شهرهایی که گویش آنها شبیه به زبان یهودیان کاشان می‌باشد، مهم‌ترین آن شهر "آران" و "ایبانه" در فاصله ۶۵ کیلومتری کاشان است. به طور یقین پس از حمله اعراب به ایران مردم بسیاری از شهرهای یهودی نشین (آران، ایبانه و...) که جمعیت معتدبه یهودی داشته‌اند که تحت فشار تغییر مذهب داده‌اند.

چند نکته دستوری عمومی که راجع به گویش کاشانی صادق است کاربرد «که» بعد از برخی اسامی برای تحبیب است مثلاً سارا+که «ساراکه» یعنی سارای عزیز. دیگری کاربرد «جی» بعد از اسامی نشانه تصغیر است مثلاً وچه+جی «وچجی» به معنای بچه کوچک.

ادب حکم می‌کند از دوستانی که برای تهیه این مجموعه ارزشمند در طی این سال‌ها از هیچ‌گونه همکاری دریغ نکردند، به ویژه "خانم لئا دانیالی" برای مدیریت در تنظیم و تصحیح، "خانم الهام آبائی" برای اعرابگذاری و تصحیح گویش‌ها و افزودن واژگان و اصطلاحات جدید و "آقای مردخای امین شموئیلیان" برای انجام کارهای دیجیتالی و فنی این مجموعه که همواره همکاری بی‌دریغشان را نثار نمودند سپاس دارم. همچنین از هارون سرودی که طی سالیانی طولانی با دقتی خاص اقدام به جمع‌آوری لغات کاشانی کرده بودند، و نسخه کامل آن را در اختیار ما قرار داده‌اند و از دیگر دوستان یوسف

سرودی، ژاکوب ستاره شناس و نورالله گبای که در این راستا با ما همکاری کردند
سپاسگزاریم .

بنیانگذار وبسایت **7Dorim**

یوسف ستاره شناس



تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Owe	او	Water	آب
Ova'nbar	اُونَبَار	Water tank	آب انبار
Owe teni	اُوو تِنی	To bathe	آب تنی
Oveh yoush	اُو یوش	Hot water	آب جوش
Ove jere ka	اُو جِر کا	Manipulative	آب زیر گاہ

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Ove limoo	اُو لیمو	Lemon juice	آب لیمو
Owenebat	اُونِبَات	Candy	آب نبات
Aberi	آبِری	Reputation	آبرو
Aberisha beram	آبْرِیشَا بِرَام	I will humiliate him/her	آبرویش را می برم
ovir	اُویر	pregnant	آبستن
Pelash	پِلَش	Strainer	آبکش
Owe goosh	اُوگوش	Meat broth	آبگوشت
mishlaghe	میش لَقه	Skinny	آدم لاغر
Ezeneh	اَزِنَه	Friday	آدینه

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Meshate	مِشَاطَه	Hair dresser	آرایشگر زن
Salmooni	سلمونی	Barber	آرایشگر مرد
Assoon	آسون	Easy	آسان
Assin	آسین	Sleeve	آستین
Assar	آسَر	Lining	آسر
Asemoon	آسیمون	Sky	آسمان
Assiyo	آسی یُو	Mill	آسیاب
Ashpaj	آش پِج	Cook	آشپز
Ashpeji	آش پِجی	Cooking	آشپزی

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Of Tow	أف تو	Sunlight	آفتاب
Oftove	أفتوه	Ewer	آفتابه
Oftovi	أف تو وی	Sunny	آفتابی
Aali	آلی	Plum	آلو
Aliche	آلیچه	Green plum	آلوچه
Bame	بَ مِه	Came	آمد
Oviyeh of Towoo	أو ویه أف تو و و	It's sunny over there	آنجا آفتابه
Oviyeh, Oura	أو ویه، اورا	Over there	آنجا، آن ور
Oorouje	او رو جه	That day	آنروز

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Yavash/ Ase	یاواش / آسه	Slow	آهسته
Avangoon	آونگون	Hanging	آویزان

ا

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Aowr	اَوُر	Cloud	ابر
Ansho	اَنشُ	Silk	ابریشم
Otobouse de bame	اتوبوس دِ بَمِه	The bus was late	اتوبوس دیر آمد
Ejare sera	اجاره سِرا	House rent	اجاره خانه
Ooademy	او آدِمی	Fairies	اجنه
Chor	چُر	Urine	ادرار

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Neghama	نِقَامَا	Bother	اذیت - آلِ لا
Arzoon	آرْزُون	Cheap	ارزان
Az tas della be vesia	آز تَس دِلَا بِ وِ سِیَا	My heart tore apart from fear	از ترس دلم پاره شد
Az vishgi bemad	آز وِیْشْگِی بِمَد	He/She starved to death	از گرسنگی مرد
Dir a'z ie khunemun	دیر از ایی خونِمون	Present company excluded	از ما به دور باشد
Az sera bamede	از سِرا بَمِدِه	He/She come from home	از منزل آمده
Howz	حَوْض	Pool	استخر
Essekhoon	اِسِ خُون	Bone	استخوان
Esskhoun hamadeh	اِسِ خُونِه هَمَدِه	Broken bone	استخوان شکسته

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Ghey	قی	Vomit	استفراغ
Anshove Ziati (kha'le) paba'de khere ga'du	آنشو زیاتی (خیله) پابند خر گدو	To lavish	اسراف کردن (ابریشم زیادی پابند خر میشه)
Noom	نوم	Name	اسم
Eshta	اِشتا	Appetite	اشتها
Pastoo	پَس تو	Back room	اطاق عقب
Ayoon	آعیون	Wealthy	اعیان
Vadkhor	واد خوری	Arrogant	افاده
Daghesha benam	داغشا بنام	Wish someone die	الهی بمیرد
Arouj	آروج	Today	امروز

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Arouj you	آرُوج یو	He/She will come today	امروز میاد
Anshow	آن شُوو	Tonight	امشب
Ena	اِنَا	Pomegranate	انار
Angosh	آن گُش	Finger	انگشت
Angi	انگی	Grape	انگور
Ey Ende deroo	ای اِنْدِه دِرو	He/She is here	او اینجا است
Ey Ende dabo	ای اِنْدِه دَبُو	He/She was here	او اینجا بود
Deresh nishun	دِرِش نِیشون	Make him/her sit	او را بنشان
Ey bash hamade	ای بَش هَمَدِه	He/She broke it	او شکسته

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Waay sadeh	وای سادِه	standing	ایستاده
Eemoon	ایمون	Faith	ایمان
Eta	اِتا	This	این
Endieh	اِنْدیه	Here	اینجا
Engieh	اِن گیه	This way	اینطوری
Enghad	اِن قَد	This much	اینقدر
Aybun	آیبون	Porch	ایوان

ب

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Vad	واد	Wind	باد
vadeyou	وادِیو	Windy	باد می آید
Vazom	وازُوم	Almond	بادام
Vad bejan	وادِ بَجَن	Hand-held fan	بادبزن
Varoon	وارون	Rain	باران

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
dagheshna	داقش نا	He/She opened	باز کرد
Dagh nadan	داق نادن	To open	باز کردن
Vajar	واجار	Market	بازار
vajarcheh	وا جار چه	A small market	بازارچه
Vagada	واگ دا	Return	بازگشت
Bamva zadeh	بم وا زا ده	I lost	بازنده شدم
Bou	بو	Let it be	باشد
Dime miz	دیم میز	On the table	بالای میز
Goo	گو	Must	باید

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Be paj	بِ پَچ	Cook it	پَچ
Betanji	بِ تَن جی	Taste it	بچشید
Veche	وچہ	Child	بچہ
Vechiye bechoradeh	وچہ بچورادہ	The child peed	بچہ جیش کردہ
Vechieh bokhote	وچہ بُوخوتہ	The child is sleeping	بچہ خوابیدہ
Beneche	بِنہ چہ	Little kid	بچہ کوچک
Vira Ame	ویرا امہ	I remember	بخاطرم آمد
Vira ni you	ویرا نی یو	I don't remember	بخاطرم نمی آید
Bokhos	بُوخوس	Sleep	بخواب

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Ba'shkhosa' n	بَشْخُوسَن	Put to sleep	بخوابانش
Bokhosid	بُو خُوسید	Go to sleep	بخوابید
Vad	وَد	Bad	بد
Vad chashm	وَد چَشْم	Evil Eye	بد چشم
Var roo jegari	وَد رُو جِگاری	Misfortune	بد روزگاری
Vad noom	وَد نِوم	In famous	بدنام
Dade	دَدِه	Give it	بده
Va' da'z	وَعَدَز	sew	بدوز
Berar	بِرار	Brother	برادر

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Berar jan	برارِ جَن	Brother in law (wife's brother)	برادر زن
Berarshi	برارِ شِی	Brother in law (husband's brother)	برادر شوهر
Vase evy	واسِه اوی	For him/her	برای او
Vese ma'rgeshu	وِسِه مَرگِشُو	Enough for him/her	برای او کافی است
Vase mo nia dar	واسِه مو نی یادار	Keep it for me	برای من نگه دار
Ha'gez nezumbe	هَگَز نِزومبِه	I hope it didn't happen to you	برایت اتفاق نیفتد
Vachidan	وَچیدن	To gather up	برچیدن
Paboda'n	پا بَدَن	To raise	برخاستن
Bash beh	بَش بِه	He/She took it	بُرَد

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Va gi beshe	وگی بَشِه	Take it and leave	بردار و برو
Vafr	وَفَر	Snow	برف
Valg	وَلگ	Leaf	برگ
Vagad	واگد	Come back	برگرد
Berene	بِ رِنِه	Naked	برهنه
Beshe	بَشِه	Go	برو
Beshe yash ne	بَشِه یاش نِه	Go and put it back in its place	برو جاش بگذار
Beshe Makh bebe	بَشِه مَخ بِ بِه	Get lost	برو گم شو
Beshe sera	بَشِه سِرَا	Go home	برو منزل

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Bash berid	بَش برید	He/She cut it out	بُرید
Berij	بریج	Pour	بریز
Godi	گودی	Big, Large	بزرگ
Vass	وَس	Enough	بس
Mele jeme tu gush	مِلِ جِمِ تو گوش	Very bitter	بسیار تلخ
bahman	بَهْمَن	Break it	بشکن
Tan gol	تَن گُل	Snap	بشکن
Dany	دَنی	Sit down	بشین
Zemin ne	زَمینِ نِه	Put it down	بگذار زمین

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Beva, Ba	بِ وَا، با	Say	بگو
Beva beshoo, Ba beshu	بِوَا بِشُو، با بِشُو	Tell him/her to go away	بگو بره
Beva Biyou	بِوَا بِي یُو	Tell him/her to come	بگو بیاد
Da'y	دِی	Get it	بگیر
Zoonoo	زُونُو	He/She knows	بلد است
Nezoonoo	نِ زُونُو	He/She doesn't know	بلد نیست
Pabi beshe	پَابِی بِشِه	Get up and leave	بلند شو و برو
Bemer	بِ مِر	Die	بمیر
Mo shema ra ni shnasa	مُو شِمَا رَا نِی شِنَاسَا	I don't know you	بنده شما را نمی شناسم

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Veresh bva	وَرِش بِ وا	Tell him/her	به او بگو
Bi kiche	بی کیچه	To invite someone to come home	به خانه ما بیاید
Le haem	لِ حَیم	Cheers, to life	به سلامتی
Bowneh	بووَنه	Excuse	بهانه
Wey tar	وِی تَر	Better	بهتر
Viterin	وِی تَرین	The best	بهترین
Bo	بُو	Was	بود
Bigh	بیق	Horn	بوق
Vi eemoon	وِی ایمون	Unbeliever	بی ایمان

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Vipil	وی پیل	Penniless	بی پول
Vichashmerou	وی چشمِ رو	Ungreatful	بی چشم و رو
Vihaya	وی حیا	Shameless	بی حیا
Velyune velamun	ولِیونِ وِلامون	Homeless	بی خانمان
Vikhovi	وی خُو وی	Insomnia	بی خوابی
Vidadesar	وی دِسر	Without any issues	بی دردسر
Vidassepa	وی دَسِ پا	Clumsy, Inept	بی دست و پا
Vidin	وی دین	Not religious	بی دین
Vi zeboon	وی زِبون	Not talkative	بی زبان

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
vimeze	وی مِ زِ	Tasteless	بی مزه
Vi noom	وی نوم	Nameless	بی نام
Vihooshi	وی هوشی	Unconciou SS	بی هوشی
Boureh	بورِه	Come	بیا
Bare	بارِه	Bring	بیار
Bareh	بارِه	Bring it	بیاور
Ba'	بَ	Out	بیرون
Bakete	بَ کِ تِه	Fell out	بیرون افتاده
vishtar	ویش تر	More	بیشتر

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Vikar	وی کار	Unemployed	بیکار
Viyeh	ویہ	Widow	بیوہ

پ

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Pa bere neh	پا بَرِنِه	Barefoot	پا برهنه
Pa boghatan	پا بُوقَاتِن	To pedal, to kick	پا زدن
Jol koneh	جُل کُونِه	Old cloth	پارچه کهنه
Jol koneh	جول کُونِه	Worn out cloth	پارچه مستعمل
Viyareh	وی یرِه	torn	پاره

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Paloon	پالون	Pack saddle	پالان
Jer	جر	Down	پائین
Jekad	جه گد	It fell down	پائین افتاد
Moon bam pat	مون بَم پَت	I cooked	پختم
Pe tan	پِ تَن	To cook	پختن
Pe te	پِ تِه	It's cooked	پخته
Bepechi adeh	بِ پِ جِی آدِه	It was cooked	پخته بود
Be pe jiyadeh	بِ پِ جِی آدِه	It's cooked	پخته شده
Bakhajeh	باخواجه	Grand father	پدر بزرگ

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Perjan	پِرِ جَن	Father in law (wife's dad)	پدر زن
Pershi, Bakhasi, Bakhasire	پِرِ شِی، بَاخَاسِی، بَاخَاسِی	Father in law (husband's dad)	پدر شوهر
Pera	پِرا	My father	پدرم
Bepera	بِ پِرا	It jumped	پرید
Pereji	پِ رِ جِی	The day before yesterday	پریروز
Vayoveh	وِیوُ وِه	Distressed	پریشان
Perishawo	پِری شَوُ	Night ago	پیشب
Passeba	پَسِ صِبا	After tomarrow	پس فردا
Gi Gi	جِی جِی	Breast	پستان

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Pire Ameh	پیرِ عامِه	Male cousin	پسر عمه
Pire Amoo	پیرِ عامو	Male cousin	پسر عمو
Piriyeh	پی ریه	That boy	پسرَه
Bala boon	بالا بون	Roof	پشت بام
Poshtema kharena	پُشتِمَا خَارِنَا	I scratch my own back	پشت خودم را میخارانم
Mof ni azoo	موف نی آزو	It's not worth anything/ worthless	پشیزی نمی ارزد
Pesseleh	پِ سیله	In secret	پنهانی
Peni	پِ نی	Cheese	پنیر
Pally	پِ لی	Side	پهلوی

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Pissadegi	پیسادگی	Worn out	پوسیدگی
Bepissadeh	بِ پی سادہ	It's been worn out	پوسیدہ شدہ
Puk	پیک	Hollow	پوک
Pill	پیل	Money, cash	پول
Pil sheshde	پیل شیش دِ	Give him/her money	پول بہش بدہ
Vayoste	وایوستِ	I find it	پیدا کردم
Shevi	شوی	Shirt	پیراھن
Pire jan	پیرجَن	Old woman	پیرزن
Pire med	پیرمِد	Old man	پیر مرد

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Baba yedol	بابا یدُل	An old man is dressed in rags	پیر مرد ژنده پوش

ت

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Tov	تُو	Swing & Twist	تاب
Tossoon	توسون	Summer	تابستان
Tossooni	توسونی	Summery	تابستانی
Tarjan	تار جَن	Tar player (Tarist)	تارزن
Zelomat	ظُلومات	Dark	تاریک

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Taje	تاجِه	Fresh	تازه
Balakejeh	بالا کِ جِه	Shelf	تاقچه
Takhoon	تاخون	Penalty, punishment	تاوان
Toveh	تُووه	Frying pan	تاوه
Taow	تَوُو	Fever	تب
Taow dar	تَوُو دار	Feverish	تب دار
Tokhme kedi	تخم کدی	Pumpkin seed	تخم کدو
Tokhmemo gh	تخم مَوغ	Egg	تخم مرغ
Pishe Handineh	پیشه هَندینه	Water melon seed	تخم هندوانه

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Terazi	تِرازی	Scale	ترازو
Tassekin	تَسِ کین	Timid	ترسو
Betassadeh, Bedeliade	بِ تَ سادِه، بِه دِلیاده	He/She got scared	ترسیده
Toshi	توُشی	Pickled veggies	ترشی
Betoroshiad eh	بِ تِ رِ و شِیادِه	Fermented turned sour	ترشیده
Beterekade h	بِ تِ رِ کادِه	Burst, exploded	ترکیده
Naly	نالی	Mattress	تشک
Darash	داراش	Commentary	تفسیر
Gava	گَ وا	Arrongance	تکبر

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
A'njene	اَنجِنِه	Meat piece	تکه گوشت
Ta'l	تَل	Bitter	تلخ
Teliphoon	تِلّی فون	Telephone	تلفن
Temoome dota	تِمومِ دوتا	All the girls	تمام دخترها
Temoon bo	تِمون بو	It's finished	تمام شد
Amaleh	اَمالِه	Enema	تنقیه
Yedae	یَدائی	Lonliness	تنهایی
Tenir	تِ نیر	Clay oven	تنور
Va boghada'n	وا بُقَادَن	To discourage someone	تو ذوق کسی زدن

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Goo bazi	گو بازی	Ball game	توپ بازی
Tit	تیت	Berry	توت
Tej	تج	Sharp	تیز

ج

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
ya	یا	Place, space	جا
Yabeya	یا به یا	Misplaced	جا به جا
Yadar	یادار	Spacious	جا دار
Yamandeh	یا مَنده	Left behind	جا مانده
Ya pa	یا پا	Foot step	جا پا

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Jaadeh	جَعِدِه	Road	جاده
fezil	فِضیل	Spy	جاسوس
Fezily	فِضیلی	Espionage	جاسوسی
Joonevar	جُونِه وَر	Animal	جانور
Sa'hra sia'lk	صَحْرَا سِیْلک	Desert	جای بی آب و علف
Ba khajeh	با خاجِه	Ancestor	جد
sevake	سِوَاکِه	Separate Them	جُدا کن
Ezeneh	اِزِنِه	Friday	جمعه
Shedim	شِدِیم	Jinn, Genie	جن

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Bejomba	بِ جُمبَا	It moved	جنبید
Jaziyeh	جَازِیَه	Dowry	جهیزیه
Jijeh	جِیجِه	Chik	جوجه
Jije Herooss	جِیجِه هِرُوس	Young rooster	جوجه خروس
Giloveh	گی لُووِه	Socks	جوراب
yoush	یوش	Boil	جوش
Beyousha	بِه یوشَا	Boil up	جوشاندن
Youshadeh	یوشَاَدِه	Boiled	جوشانده
Youshamad eh	یوش آمِدِه	Boiled	جوشیده

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Joobe owe	جوبِ اُوو	Narrow stream	جوی آب

چ

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Chowreh	چوورہ	Female cloak	چادر
Choghoo Tej kon	چوقو تِج کُن	Knife sharpener	چاقو تیز کن
Zenagh Doon	زَنَق دُون	Chin	چانہ
chakh	چَخ	Wheel	چرخ
Bechassbad eh	بِ چَس بادہ	Attached	چسبیدہ

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Chashma owo ni khoroo	چَشْمَا اُوو نی خُورُو	I have little hope that it will work	چشم آب نمی خورد
Cheghaz	چه قَز	How much	چقدر
Engieh	اِن گِیِه	Such, Thus	چنین
Kay	کِی	When	چه وقت
Chashebat	چاشِبَات	Wednesda y	چهارشنبه
Choo	چو	Wood	چوب
Chookary	چوکاری	Wood work	چوب کاری

ح

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Halam beham ganda	حَلامِ بِهَمَّ گندا	I felt disgusted	حالم به هم خورد
Ovireh	اُویره	Pregnant	حامله است
Assir	آسیر	Prohibited, forbidden	حرام
Haf nanga	حَف نَنگا	Don't Speak	حرف نزن
Hassid	حَسید	Jealous	حسود

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Hassidi	حَسیدی	Jealousy	حسودی
Hamoon	حَمون	Bath, shower	حمام
Haywoon	حَى وون	Animal	حیوان

خ

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Yow shoon	یُوشون	Thorn	خار - تیغ
Beramede	بِ رَ مِدِه	Has exited	خارج شده
Khater shema assodehbo	خاطرِ شِما آسودِه بو	Rest assured	خاطر شما آسوده باشه
Khatera jamoo	خاطِرَا جَمُو	I am sure	خاطر م جمع است
Khak riji	خاک ریجی	Pouring sand soil	خاک ریزی

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Khakesa	خاکه سَ	Ashes	خاکستر
Kharat	خارت	Persian - hashbrowns	خاگینه - کوکو
Khoom	خوم	Raw	خام
Sera – khooneh	سیرا-خونه	House	خانه
Mila konoon	میلا کُنون	Circumcision	ختنه سوران
Khoza	خُوزا	God	خدا
Khoza biyamorz	خُوزا بیامُرز	God bless his soul	خدا بیامرز
Khoza bashamoza	خُوزا بشا موزا	May he/she rest in peace	خدا بیامرز دَش
Khoza deresh dade	خُوزا دِرش داده	God given	خدا داده

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Khoza niada	خُوزا نیادا	Goodbye	خدا نگهدار
Kha	خَ	Donkey	خر
Horba	هُوربا	Damaged, ruined	خراب
Habizeh	هَبی زه	Melon	خریزه
Khapil	خَ پیل	Well off, wealthy	خرپول
Khaji	خَ جی	Expenses	خرجی
Khaji	خَجی	Expense	خرجی
Khachang	خَ چَنگ	Lobster	خرچنگ
Veche ssally	وچہ سالی	Childhood	خردسالی

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Khide khide	خیده خیده	Little by little	خرده - خرده
Khide essekhood	خیده اسِخون	Shards of bone	خرده استخوان
Khide hesab	خیده حساب	A little amount due unsettled business	خرده حساب
Khoma	خوما	Date (s)	خرما
heroos	هروس	Rooster	خروس
Bash Herid	بش هرید	He/She purchased	خرید
Heridan	هریدن	To buy	خریدن
Khasse	خَسِه	Tired	خسته
Keness	کِنِ س	Stingy, miser	خسیس

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Vassmeh	وَسْمِه	Eye brow line	خط ابرو
Khefe	خِفِه	Suffocate	خفه
Dan yoveh	دَانِ یُووِه	Yawn	خمیازه
Bekhanda	بِ خَنْدَا	He/She laughed	خندید
Khow	خُوُو	Sleep	خواب
Khova bedid	خُوَا بَدِید	I dreamt	خواب دیدم
Khow shode	خُوُو شُدِه	He/She fell asleep	خواب رفته
Khow shodeh	خُوُو شَدِه	Fell asleep	خواب رفته
Bokhote	بُخُوْتِه	Sleeping	خوابیده

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Bokhoteh	بُوخُوْتِه	He/She is sleeping	خوابیده
khassegar	خاسِه گار	Suitor	خواستگار
Khoona	خونا	Legible	خوانا
Khar	خار	Sister	خواهر
Kharjan	خارجَن	Sister in law (wife's sister)	خواهر زن
Kemava	کِما وا	I will say it	خواهم گفت
Khab	خَب	Good	خوب
Khebi	خِبی	Goodness, kindness	خوبی
Khod	خود	Yourself	خودت

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Khosh	خوش	Himself / Herself	خودش
Khom	خَم	Myself	خودم
Khorak peji	خوَرَاکِ پِجِی	Cooking	خوراکِ پزی
Bash khode	بَشِ خُوْدِه	He/She ate	خورده
Maghbill	مَقْبِیل	Beautiful	خوشگل
Khik	خِیک	Pig	خوک
Khin	خِین	Blood	خون
Khin madeh	خِینِ مَدِه	Bruised	خون مرده
Khin khar	خِینِ خَار	Blood thirsty vampire	خونخوار

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Khin riji	خین ریجی	Bloodshed	خونریزی
Khayleh	خ ی له	A lot, too much	خیلی
Ghurehu	قورحو	Very rich	خیلی پولدار است
Khaileh hangaro	خَیْلَه هنگارو	He / She is talkative	خیلی حرف می زند
Khaileh ka dara	خَیْلَه کا دارا	I have a lot to do	خیلی کار دارم
Khaileh Geronoo	خَیْلَه گرونو	It's very expensive	خیلی گران است

،

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mo Dara	مو دارا	I have	دارم
Daro shoo	دارو شو	He/She is leaving	داره میره
Dabi	دابی	Have it	داشته باش
Yoush	یوش	Hot	داغ
Zoomad	زوماد	Groom	داماد

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Dot	دُوت	Daughter, Girl	دختر
Dotchi	دُت چی	Little girl	دختر کوچولو
Ba basteh	بَ بَسْتِه	Closed door	در بسته
Bashodegi	بَ شُدِه گی	Dislocation	در رفتگی
Ba shodeh	بَ شَدِه	He/She ran away	در رفته
Beresera	بِ رِ سِرا	Front door	درب خانه
Ber	بِر	Door	درب، در
Dad	دَد	Pain	درد
Davazeh	دَوَازه	Gate	دروازه

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Deroo	دِرو	Lie	دروغ
Deroovajoo	دِرو واجو	He/She is lying	دروغ میگه
Deroovajan	دِرو واجَن	Liar	دروغگو
Deroo vajeni	دِرو واجِنِی	Pretending	دروغگوئی
Doz	دُز	Thief	دزد
Dass	دَس	Hand	دست
Dass vayr	دَس وَ ی ر	Let it go	دست بردار
Das be dan	دَس بِه دان	Needy	دست به دهان
Dasa dade kero	دَسَا دَدِ کِرو	I have pain in my hand	دستم درد میکنه

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Dassa khareniyoo	دَسَا خَارَ نِیُوُو	My hand is itching	دستم میخارد
doshmoon	دُشْمُون	Curse, Insult	دشنام
Khale sia ha'lghet ka, Made ha'lohet ka	خَال سِیَا حَلَقَتِ کَا، مَادِه حَلَقَتِ کَا	Hope you get sick (Curse)	دشنام (درد بگیری)
Maaloghat	مَعْلُوَقَت	Fight, Quarrel	دعوا
Digh	دِیْق	To die of sorrow	دق
Dekoon	دِکُون	Shop, Store	دکان
Del sote	دِل سُوْتِه	Broken hearted	دل سوخته
Del sooji	دِل سُوْجِی	Pity, sympathize	دلسوزی
Della be pissa	دِلَا بِ پِیْسَا	I'm bored	دلَم پوسید

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Dan	دان	Mouth	دهان
Dan yoveh	دان یو وه	Yawn	دهن دره
Dan Sooj	دان سوج	Mouth burning	دهن سوز
Dochakhe	دوچَخه	Bicycle	دوچرخه
Varesh Dash	وَرِش دَش	He/She sewed	دوخت
Va' da'shta'n	وَعَدَشْتَن	To sew	دوختن
Milla	میلا	Renis, dick	دول
Bashdid	بَش دید	He/She saw	دید
Debame	دِ بَ مِه	He/She came late	دیر آمد

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Heyzery	ہی زری	Yesterday	دیروز
Heri shaow	ہری شوو	Last night	دیشب
Deg	دِگ	Pot	دیگ
Fige meki	دیگِ مکی	Stone pot	دیگ سنگی
Abeh	آبہ	Another	دیگر
A'be	آبہ	Else	دیگر
Abenanga	آبہ ننگا	Stop talking	دیگر حرف نزن
Divall	دیوال	Wall	دیوار
Shoote	شوٹہ	Crazy, Insane	دیوانہ



تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Bevelu shevia	بِوَلو شِوِیا	I tell the truth	راست می گویم
Roon	رون	Thigh	ران
Beressa	بِ رِسا	It has arrived	رسید
Be re sadeh	بِ رِ سادِه	Ripe, arrived	رسیده
Shoohad	شَوَحَد	Bribe	رشوه

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Besho	بِشُو	Went	رفت
Beshoda	بِ شُدَا	I left, I went	رفتم
Beshodeh	بِشُدِه	Gone	رفته
Beshodim	بِشُدِیم	We went	رفتیم
oveki	اُو کی	Watery, Dilute	رقیق
Range esped	رنگِ اِسپِدِ	White color	رنگ سفید
Dimbedim	دیم به دیم	Face to face, across each other	رو برو
Rooj	روج	Day	روز
Rooj be rooj	روج به روج	Day by day	روز به روز

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Rojegar	روجگار	Time, days	روزگار
roojnoome	روح نومہ	Newspaper	روزنامہ
Taniat	تَعْنِیَّت	Fasting	روزہ
Charghad	چارقد	Scarf	روسری
Dime ham shode	دیم ہم شدہ	Overall, Altogether	روی ہم رفتہ
Berijiya	بری جی آ	It spilled	ریختہ شد

ز

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Zaly	زالی	Leech	زالو
Zani dad	زانی دَد	Knee pain	زانو درد
bezadeh	بِزادِه	She gaved birth, She deliverd a baby	زائیده
Neghama	نِقاما	Torture, torment	زجر
Boghatan	بُوقاتن	Hitting, To hit	زدن

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Zad	زَد	Yellow	زرد
Zad Aloo	زَد آلو	Apricot	زرد آلو
Zajoove	زَ جو وه	Turmeric	زرد چوبه
Zadak	زَدَك	Carrot	زردک
Zade tokhme mogh	زَدِه تخم مُرغ	Egg yolk	زرده تخم مرغ
Zagar	زَگر	Goldsmith	زرگر
Jan	جَن	Woman	زن
Jene per	جِنِ پَر	Step mother	زن پدر
Jandooss	جَن دوس	A man who loves his wife	زن دوست

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Jen Amoo	جِنِ عامو	Aunt, (wife of pattern uncle)	زنِ عمو
Jenooneh	جِنونِه	Feminine	زِنانه
Vaj	وَج	Bee	زنبور
Jandegi	جَنده گی	Life	زندگی
Jandeh	جَنده	Alive	زنده
Jandedel	جَنده دِل	Young at heart	زنده دل
Zang nebo gh	زَنگِ نِ بُوک	Don't ring, Don't call	زنگِ نزن
Zahra besho	زَهرا بِشو	I got scared, I frighten	زهره ترک شدم
Mish az Kinesh balghore kishoo	میش از کینش بلقور کی شو	He/She is worn out	زوارش در رفته

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Zizi	زی زی - جلی	Early, Soon	زود
Zizi bamedi	زی زی بَمدی	You are early	زود آمدی
Zizi beshe	زی زی بِشِه	Leave early, Go soon	زود برو
Zizi boore sera	زی زی بورِه سیرا	Come home soon	زود بیا خانه
Zizi besho	زی زی بِشَوُ	He/She left early	زود رفت
Zizi bazi keri	زی زی بازی کری	Play quickly	زودتر بازی کن
Khayleh nangar	خَیله نَنگار	Don't talk too much	زیاد حرف نزن
Jere owe	جِرِ اوُو	Under water	زیر آب
Jedassi	جِه دَسی	Writing pad, subordinati on	زیر دستی

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Sadow, Jere sa'do	سَ دُوو، جِرِ سَدُو	Basement	زیر زمین
Je shalvary	جِه شلواری	Underpants	زیر شلواری
Jere kossi	جِرِ کوسی	Under heated blanket	زیر کرسی

س

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Soadan	سُوَادَن	To scrub	ساییدن
Bash sate bo	بَش سَاتِه بُو	He/She built it	ساخته بود
Saat	سَعَت	Clock	ساعت
Kopa meni	کُوپَ مَنِی	Boil, skin infection	سالک
Sowz	سَوُوز	Green	سبز

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Helebaute sia	هَلْبَاوَتِ سِیَا	Brunette	سبزه رو
Sowzi	سَوَزِی	Green herbs	سبزی
Sovok	سَوُک	Light (not heavy)	سَبک
Bash espara	بَشِ اسپارا	He/She entrusted	سپرد
Bash esparade	بَشِ اِسپارادِه	Entrust to someone	سپرده
Sahal	سَ حَل	Dawn	سحر
Sa vasho	سَ وَاشُو	It boiled over	سرفت
Serajeri	سِیْرَا جِری	Down hill	سرازیری
Sokhow	سُووْخُو	Blush used for make up	سرخاب

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Sad	سَد	Cold	سرد
Bechadeh	بِچارِه	Turned cold	سرد شده
Selaton	سِلَاتون	Cancer	سرطان
Solfe	سولفِه	Cough	سرفه
Sa ghofly	سَ قُلفی	Key – money	سرقفلی
Seke	سِ کِ	Vinegar	سرکه
Sagijeh	سَ گِیجِه	Dizzy, dizziness	سرگیجه
Sama	سَ ما	Cold weather	سرما
Ghal bil	قَل بیل	Sieve	سرنده

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Serniadar	سِرِ نیا دار	Secret – keeper	سِرِ نگهدار
Sanegin	سَنِگین	Over turned, down ward	سِرِ نگون
Sanegin beba	سَ نَگینِ ببا	To turn upside down	سِرِ نگون شه
Jali	جَلی	Fast	سریع
Salt	سَلت	Bucket	سطل
Doul	دول	Leather bucket	سطل چرمی
Pite khaki	پیتِ خاکی	Trash bin	سطل زباله
Sa'nge segha'lmut	سنگِ سِقَلْموت	Hard	سفت (اصطلاح)
Mele noghre	مِلِ نُقره	Fair- skinned	سفیدرو

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
esbeh	اِسْبِه	Dog	سگ
sangow	سَنگ اُوو	Ceramic barrel used for water	سنگاب
Sit sitak	سیت سی تک	A whistle	سوت سوتک
Sotegi	سَوْتِگی	A burn	سوختگی
Besote	بِ سُوْتِه	Burnt	سوخته
Silakh	سی لاک	Hole	سوراخ
Souj	سوج	Draft	سوز
Sooje vafr	سوج وافر	Cold draft of snow	سوز برف
Sizan	سی زَن	Needle	سوزن

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Sisk	سیسک	Cockroach	سوسک
Sowe	سُوو	Apple	سیب
Sove zemini	سُوو زِمینی	Potato	سیب زمینی
Se va boda	سِ وَا بُودا	I'm full	سیر شدم
Jakizeh	جاکیزه	Slap in the face	سیلی - چک
Sine paly	سینه پَلی	Pneumonia	سینه پهلو

ش

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Shooneh	شونه	Comb	شانه
Chow	چوو	Rumor, Gossip	شایعه
Shov	شوو	Night	شب
Shov va rooj	شوو و روج	Night and day	شب و روز
Eshpesh	یشِ پِش	Louse (Lice)	شپش

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Yaeen	یائین	Wine	شراب
shalbat	شَل بَت	Syrup	شربت
Shostan	شُس تَن	To wash	شستن
Beranj malideh	بَرَنج مالیدِه	Persian meat balls	شفته برنجی
Bahmeria	بَهْمَرِیا	Broke	شکست
Ba'hmeriad e	بَهْمَرِیادِه	Broken	شکسته شده
Neghama	نِقاما	Torture	شکنجه
Tomoon	تُومون	Pants	شلوار
Shema Ende dabi	شِما اِنْدِه دَبی	You stay here	شما اینجا بمانید

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Shema goo zoombi	شِما گو زومبی	You most know	شما باید بدانید
Shema che kerri	شِما چه کری	What are you doing	شما چه می کنید
Shema doo nego	شِما دونگو	You want	شما می خواهید
Shema zooni	شِما زونی	You know	شما می دانید
Shabat	شَبَات	Saturday	شنبه
Shi	شی	Husband	شوهر
Shikhar	شی خار	Brother in law (sister's husband)	شوهر خواهر
Satan	ساطان	Devil, Satan	شیطان
Cheli	چلی	Mischief	شیطونی

ص

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Sa bin	صَ بَین	Soap	صابون
Sahab	صَحَب	Owner	صاحب
Sahab kar	صَحَب کار	Boss	صاحب کار
Sahab madeh	صَحَب مَدِه	Ownerless	صاحب مرده
Sohb	صُوحب	Morning	صبح

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Saowre	صَووَرُ	Patience	صبر
Bash hangash	بَش هَنگاش	He/She spoke	صحبت کرد
Hengash temoon	هَنگاش تِمون	To speak, To talk	صحبت کردن
Sedaga	صِدَاقا	Donation, charity	صدقه
Dim	دیم	Face	صورت
Sireti	صیرتی	Pink	صورتی
Tenaf	تِ نَاف	Rope	طناب

ع

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
tefila	تفیلا	Prayer	عبادت
Abessi	عَبِ سِی	Pointless	عبث
Shekhar	شِخار	Alcohol	عرق
Ariss	عاریس	Bride	عروس
Arissi	عاریسی	Wedding	عروسی

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
berene	برِنِه	Nude, naked	عریان
Gheyz	قِی ز	Angry	عصبانی
Pessin	پِسین	Evening	عصر
Oshnijeh	اُش نیجِه	Sneeze	عطسه
Mahila	مَحیلا	Pardon	عفو
Ketooba	کِتوبا	Marriage contract	عقدنامه
Hokhma	حُخما	Intellect, wisdom	عقل
Asg	عَسگ	Photo, picture	عکس
Ameh	عَامِه	Aunt (dad's sister)	عمه

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Amoo	عامو	Uncle (dad's brother)	عمو
Mooed	موعد	Holiday	عید
Mooede sika	موعدِ سیکا	Jewish holiday of sukkah	عید سوکا
Mortoni	مورتونی	Hypocrite	غرور

ف

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
zoonā	زونا	prostitute	فاحشه
Maaloghat	مَعْلُوقَت	A revolt, conspiracy	فتنه
Beverejiade h	بِ وِ رِ جِیَا دِه	He/She escaped	فرار کرده
Beverej	بِ وِ رِ ج	Run away	فرار کن
Vira vasho	ویرا واشو	I forgot	فراموش کردم

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Seba	صِبا	Tomorrow	فردا
Seba sho	صِبا شو	He/She will go tomorrow	فردا می رود
Nezad	نِزاد	Stepchild	فرزند ناتنی
Bash resande	بَش رِساندِه	He/She sent it	فرستاده
Fassakh	فَ سَخ	League (A measure of distance equal to 5 km)	فرسخ
Malakh	مَل آخ	Angle	فرشته
Fossat	فوسَت	Opportunity	فرصت
Bash heroot	بَش هِرُوت	He/She sold it	فروخت
Herootan	هِرُوتن	To sell	فروختن

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Bash heroote	بَش هِرَوْتِه	What's been Sold	فروخته
Feshare khin	فشار خین	Blood pressure	فشار خون
Fezil	فِ ضیل	Nosy	فضول
Ani	عانی	Poor	فقیر
Eflij – laows	افلیج – لَ وُوس	Paralyzed	فلج
Pilak may	پی لکِ مای	Fish scales	فلس ماهی
Hokhma	حُوخما	Know ledge	فهم
befahma	بِ فَهَما	He/She understand	فهمید
Fit	فیت	Blow of the mouth	فوت

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Maadan	مَ دَن	To die	فوت کردن
Zizi	زیزی	Immediate	فوری

ق

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Bash ghapa	بَش قاپا	Snatched it	قاپد
Abe nenoo ra beshoo	اَبِه نِنو را بِشو	He/She can't move	قادر به حرکت نیست
Ghayem mishak	قایم میشک	Hide and seek	قایم موشک
Gheboora	قَبورا	Grave	قبر
Ghebil gada	قَبیل گدا	He/She was accepted	قبول شد

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Ghebili	قَبیلی	Acceptance	قبولی
Ghapoon	قَیون	Scale for measuring weight	قپان
Ghorbonet Gada	قُرْبونِت گدا	I die for you	قربانت بروم
Ghoss	قُوص	Pill, tablet	قرص
Ghazi	قَ حسی	Something borrowed	قرضی
Shevua, Shevia	شِ وُوآ، شِوِیا	Swear	قسم
Ser sema kadan	سِرِ سِما کَدان	The intent to complian	قصد بهانه گرفتن
Cha'k	چک	Drop	قطره
Gholf	قُلف	A lock	قفل

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Gili gili	گیلی گیلی	Tickle	قلقلک
Ghelion	قلیون	Hubble-bubble, Hookan	قلیان
Hima periso	هیما پریسو	He worries himself bitterly	قهره می خورد
Ghachi	قی چی	Scissors	قیچی
Meghraz	مقراض	Scissors	قیچی

ک

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Karesh bevedashte	کارش ب و دشته	It's too late	کار از کار گذشته
Karesh kheraboo	کارش خرابو	He is in trouble	کارش خراب است
Faale kari	فعله کاری	Labor work	کارگری
Karom sera	کاروم سیرا	Road inn	کاروانسرا
Bash kara	بش کارا	Planted	کاشت

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Shoon bekasht	شون بکاشت	They planted it	کاشته اند
Vesso	وسو	It's enough	کافی است
Kai	کای	Lettuce	کاهو
Kelbit	کلبیت	Matchstick	کبریت
Pelasht	پلشت	Dirty	کثیف
Kiya	کیا	Where	کجا
Kia derou	کیا درو	Where is it?	کجا است؟
Kiyad nadeh	کیاد ناده	Where did you put it?	کجا گذاشتی؟
Kedi	کدی	Pumpkin	کدو

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Kemoo	کِمو	Person or thing infested with worms or	گرمو
kere	کِرِه	Butter	گَرِه
Mamache	ماماچِه	Midwife	کسی که می زایاند
Bash koshteh	بَش کُشْتِه	He/She killed	کشته
Kowsh	کُوش	Shoes	کفش
Baareh	بَ رِه	Spatula	کفگیر
Keliche	کَلِیچِه	Persian – cookies	کَلوچِه
Kelit	کَلِیْت	Key	کلید
Yaje	یَچِه	A little	کم

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Kam banga	کَم بَنگا	Talk less, Don't talk too much	کم حرف بزن
vihowseleh	وی حُوصِلِه	Impatient	کم حوصله
Kam khow	کَم خُوو	Insomnia, Sleepless	کم خواب
Kam khini	کم خینی	Anemic, Shortage of blood	کم خونی
Yaje Yaje	یَجِه - یَجِه	Little By little	کم کم
Kemoncheh	کِمون چِه	Persian violin like instrument	کمانچہ
Dulab	دولاب	Wardrobe	کمد
Kemo	کِمو	It's not enough	کمہ
Yaje banga ta dela vaboo	یَجِه بَنگا تا دِلا وابو	Speak a little so I can up	کمی حرف بزن تا دلم باز

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Yaje sow ke	یَجِه سَووِکِه	Wait a minute, Wait a little	کمی صبر کن
Vere	وَرِه	Beside	کنار
Kirene	کِی رِ نِه	Diapers	کهنه بچہ
Vijiki	وی جیکی	Small	کوچک
Kiche	کیچہ	Alley	کوچہ
Bif	بیف	Fool, Stupid	کودن
Kharat	خارت	Persian – hash browns	کوکو
Kin	کین	Ass	کون
Kin bereneh	کین بَرِ نِه	Nake Ass	کون برهنہ

گ

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Gai	گای	Sometimes	گاهی
Ani	عانی	Beggar	گدا
Bevedash	بِ وِ دَ ش	Passed, left behind	گذشت
Vedashteha	وِ دَ شته ها	Long ago	گذشته ها
Melli	مِلی	Cat	گره

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Vishgi	ویشگی	Hunger	گرسنگی
Vishe	ویشه	Hungry	گرسنه
Deresh gi reteh	دِرش گی رتِه	He recived it	گرفته
Gem	گِ م	Worm	گرم
Gam	گَم	Warm	گرم
Gama gam	گَمَا گَم	In the heat of the moment	گرما گرم
Beverejiadeh	بِ وِ رِ جیادِه	Fugitive, Run away	گریخته
Geye	گِ یِ	Cry	گریه
Begeza	بِ گِ زَا	It stang	گزید

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Begezadeh	بِ گِ زاده	Stunged	گزیده
Bashva	بَش وا	He/She said	گفت
Han gashtemoon	هَنْ گاشتمون	Conversati on	گفتگو
Bamva	بَم وا	I said	گفتم
Bashva	بَش وا	He/She said	گفته
Bashvatebo	بَشواتِه بُو	He/She had said	گفته بود
Halghena	حَلقِ نا	Throat	گلو
Makh be bodeh	مَخ بِ بُودِه	Lost (missing) person or thing	گم شده
Mekha be kadeh	مِخا بِ کَدِه	I have lost it	گم کرده ام

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Avoon	آوون	Sin	گناه
Moranji	مورنجی	Sparrow	گنجشک
Godi	گوڈی	Huge, large	گندہ
Began dadeh	بگن دایدہ	Rotten, Spoiled	گندیدہ
Gakhare	گا خارہ	Cradle	گھوارہ
Roochasi	روچسی	Hear clip	گیرہ سر

ل

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Laow	لَ وُو	Lip	لب
Rakht	رَخت	Dress	لباس
Jon khow	جُونِ خُوُو	Quilt, Blanket	لحاف
Rakhtekhow	رَختِ خُوُو	Quilt	لحاف
Jownkhowji	جُوُونِ خُوُو جِی	Small Quilt	لحاف کوچک

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Leghat	لِغَت	Kick	لگد

م

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Hama moonega	هاما مونِگا	We wanted	ما می خواستیم
Hama	هاما	Us, We	ما ها
Aveldar	آوِلدار	Mourner, A person who is grieving	ماتم دار
Maneh	مانِه	Mother, Mom	مادر
Marshi, Khosi	مارشی، خُوسی	Mother in law (husband's mom)	مادر شوهر

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Marjan	مارجَن	Mother in law (wife's mother)	مادرزن
Maram	مارام	My mother, my mom	مادرم
Marmadeh	مار مَدِه	Poor guy	مادر مرده
Mari	ماری	Motherly	مادری
Mar begezadeh	مار بَگَزادِه	Stung by a snake	مار زده
moshto mall	مُشت و مال	Massage	ماساژ
Maneh	مانِه	Mother, Mom	مامان
Vamandeh	وامنْدِه	Remainder	مانده
Nooma	نوما	Moon	ماه

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mai	مای	Fish	ماهی
Maytoveh	مای تووه	Frying pan	ماهی تاوه
May heroosh	مای هروش	Fisherman	ماهی فروش
Maycheh	مایچه	Muscle	ماهیچه
Sevrer	سورر	Prejudice	متعصب
Lichar	لیچار	Verbal insult, Teasing	متلک
Pildar	پیلدار	Wealthy, Rich	متمول – پولدار
Kheresh shoo	خرش شو	Influential	متنفذ
Mele	مِل	Like, Such as	مثل

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Niadar	نیادار	A guard	محافظ
Niadary	نیاداری	To guard, To protect	محافظت
Ghayem	قایم	Strong, Firm	محکم
Ghayem kari	قایم کاری	To double check	محکم کاری
Jere joly	جِرْجُولی	Secretly	مخفیانه
Modbakh	مُدْبَخ	Kitchen	آشپزخانه
A'kh	آخ	Stool	مدفوع
Mona feramoosh ke	مُونَا فراموش کِه	Forget me	مرا فراموش کن
Medooneh	مِ دُونِه	Masculine	مردانه

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mola'ba, Mola'ba A'ta, Mare Mola'ba	مُلْبَا، مَلْبَا عَطَا، مَارِ مَلْبَا	Corpse- washer	مردہ شور (اصطلاح)
Mogh	مُوغ	Chicken	مرغ
Malham	مَل حَم	Salve, Ointment	مرهم
Shikoor	شیکور	Drunk	مست
Khela	خِلا	Restroom	مستراح
Soghormeh	سُوْقورمِه	To punch, punching	مشت زدن
Shekhar	شِخَار	Alcoholic beverage, liquor	مشروب الکلی
Varyo	وَرِیو	Anxious, Worried	مضطرب
Maalimeh gadoo	مَعْلیمه گَدُو	It will turn out	معلوم میشه

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Gheboora	قَبُورَا	Grave	مقبره
Maghbil	مَقْبِيل	Pretty	مقبول
Yajeh	یَ جِه	A little bit	مقدار کم
Yajeh	یَجِه	A portion, A bit	مقداری
Kin	کین	Anus, Ass, Butt	مقعد
Mon	مُون	Me, I	من
Mon megoo bevereja	مُون مِگُو بِ وِ رِ جَا	I want to escape	من می خوام فرار کنم
Mon nena chishi Baja	مُونِنَا چِشِی بَا جَا	I don't know what to say	من نمی دانم چه بگویم
Mishkan	میشکان	Pulpit	منبر

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Matow	مَ تَوُو	Moon light	مهتاب
Moraye gadan	مُورای گَدَن	Vertebrae of the neck	مهره های گردن
Mi	می	Hair	مو
Micheh	می چِه	Ant	مورچه
Mirmir	میر میر	Tingling senseition	مور مور
Mish	میش	Mouse	موش
Mishmadeh	میش مَدِه	A sneaky person	موش مرده
Mishak	می شک	Rocket	موشک
Darash	داراش	Sermon	موعظه

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mim	میم	Wax	موم
Peroo	پرو	It flies	می پرد
Mega	مِگا	I wanted	می خواستم
Shegoo	شِگو	He/She wants	می خواهد
Donegoo beshim	دونگو بشیم	Do you want us to go	می خواهید برویم
Zoona	زونا	I know	می دانم
Resoo	رِسو	It will arrive	می رسد
Sheva	شِوا	He/She was saying	می گفت
Mooneva	مونوا	We were saying	می گفتیم

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Vaja	واجا	I say	می گویم
Maymin	می مین	Monkey	میمون

ن

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Nepete	نِ پِته	Uncooked	ناپخته
Naperi	ناپری	Step - father	ناپدری
Nakhoon	ناخون	Nail	ناخن
Neresadeh	نِرساده	Unripe	نارس
Nof	نُف	Belly button	ناف

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Nakoom	ناکوم	Someone who died suddenly or too soon	ناکام
Eehowdai betasada	ای هُودای بِتَسادا	Suddenly I got startled	ناگهان ترسیدم
Noom	نوم	Name	نام
Namari	ناماری	Step – mother	نامادری
Massa	مَصا	Unleavend Bread, (matzeh)	نان فطیر
Noonva	نونوا	Baker	نانوا
Nebo	نِبُو	Was not	نبود
Navi	ناوی	Prophet	نبی
Naew shereh	نَ وِشِرِه	Great great grand child	نیره

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Netass	نِ تَس	Don't be afraid, Don't be scared	نترس
Tame – palasht	تامِه – پَلِشْت	Dirty, Impure	نجس
Bekhoor	بِخور	First born	نخست زاد
Neder	نِدر	Pledge	نذر
Set	سِ ت	Ladder	نردبام
Danishteh	دَنی شْتِه	He/She is seated	نشسته
Na'dva	نَدوا	You didn't say	نگفتی
Niadari	نیاداری	Keeping	نگهداری
Neva	نِوا	Don't say it	نگو

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Nnaji, Nevaji	ناجی، نواجی	Don't say it	نگوئید
Nivaju	نیواجو	He/She doesn't say	نمی گوید
Nennu	نِنو	He/She can't	نمی تواند
Nemezooa besha	نِمزونا بِشا	I can't go	نمی توانم بروم
Nishoo	نیشو	He/She doesn't go	نمی رود
Maneh	مانِه	Mommy	ننه
Vash nevesh	واش نِوش	He/She wrote	نوشت
Taje Ariss	تاجِه عاریس	New bride	نوعروس
Nure	نوره	Don't come!	نیا

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Nime dagh	نیمه داق	Half – open	نیمه باز
Nesfe show	نصفه شو	Midnight	نیمه شب

ه

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Khovin	خوَوین	Grinding pot	هاون
Yaneh	یاِنِه	Stone grinding	هاون سنگی
Hachi vajoo pische you	هَچی واجو پیشه یو	What ever he/she says will happen/ come true	هر چه می گوید پیش می آید
Harooj	هروج	Every day	هرروز
Hagez	هَگَز	Never	هرگز

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Hoo	هو	Is	هست
Yafteh	یَف تِه	Week	هفته
Hamsadeh	هَمسَادِه	Neighbour	همسایه
Khar	خار	Sister	همشیره
Endiyeh	اِن دِیِه	Right here	همینجا
Handine	هَندِیْنِه	Watermelon	هندوانه
Henin	هِنِیْن	Still, Yet	هنوز
Hava avriyo	هَوَا اَوْرِی یُو	It's cloudy	هوا ابری است
Hava varooniyou	هَوَا وَا رُوْنِیُو	It's rainy	هوا بارانی است

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Hava vafriow	هوا و فریو	It's snowy	هوا برفی است
zadak	زَدَک	Carrot	هویج
Hech	هیچ	Nothing	هیچ
Hesh kareh	هش کاره	Unemployed	هیچکاره
Heche nezoonoo	هیچہ نزونو	He/She doesn't know anything	هیچی نمی داند
Velan ke	ولان که	Leave me	ولم کن

ی

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Ba'hmos	بَهْمُس	Learn	یاد بگیر
Ba'sh ha'mot	بَش هَمْت	She/He learned	یاد گرفت
Vired vaneshoo	ویرِد وَاِنِشُو	Don't forget	یادت نرود
Viresh are	ویرِش آره	Remind him/her	یادش بیار
Viresh va shodeh	ویرِش وَا شُدِه	He/She forgot	یادش رفته

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Ha'mota'n	هَمْتَن	Learning	یادگیری
Vira va shodeh	ویرا واشدِه	I forgot	یادم رفت
Veeper	وی پر	Orphan	یتیم
Eita noon	ایتا نون	A loaf of bread	یک دانه نان
Ey rooj bedin	ای روج بدین	Another day	یک روز دیگر
Yay shebat	یِی شِبَات	Sunday	یک شنبه
Yajeh	یَجِه	A little bit	یک کمی
Eila gheba	ایلاقبا	Impoverished / destitute	یک لاقبا
Eilae	ایلائِی	One layer	یک لایِی

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Eihowday	ایهودای	Suddenly	یکهو
Eita	ایتا	One	یکی
Eita Eita	ایتا ایتا	One by one	یکی یکی
Aseh	آسه	Slow	یواش

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mon bam pat	مون بَم پَت	I cooked	من پختم
To bad pat	تو بَد پَت	You cooked	تو پختی
ey bash pat	ای بَش پَت	He/She cooked	او پخت
Hama moon be pat	هاما مون بِ پَت	We cooked	ما پختیم
Shema doon bepat	شِما دون بِ پَت	You (pl) cooked	شما پختید
Oova shoon bepat	اووا شون بِ پَت	They cooked	آن ها پختند

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
To bad pat	تو بد پت	You cooked	تو پختی
ey bash pat	ای بش پت	He/She cooked	او پخت
Hama moon be pat	هاما مون ب پت	We cooked	ما پختیم
Shema doon bepat	شما دون ب پت	You (pl) cooked	شما پختید
Oova shoon bepat	اووا شون ب پت	They cooked	آن ها پختند

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mon bankhoon	مُن بَن خون	I read	من خواندم
To badkhoon	تو بَدخون	You read	تو خواندی
Ey bashkhoon	ای بَش خون	He/She read	او خواند
Hama moon bekhoon	هاما مون بِخون	We read	ما خواندیم
Shema doon bekhoon	شِما دون بِخون	You (pl) read	شما خواندید
Oova shoon bekhoon	اووا شون بِخون	They read	آن ها خواندند

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mon ban herid	مُن بَن هَرِید	I bought	من خریدم
To bat herid	تو بَت هَرِید	You bought	تو خریدی
Ey bash herid	ای بَش هَرِید	He/She bought	او خرید
Hama mon bain	هاما مون بَین	We bought	ما خریدیم
Shema doon bain	شِما دون بَین	You (pl) bought	شما خریدید
Oova shoon bain	اووا شون بَین	They bought	آن ها خریدند

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mon van nevesh	مُون وان نِوش	I wrote	نو شتم
To vad nevesh	تو واد نِوش	You wrote	نو شتی
Vash nevesh	واش نِوش	He/She wrote	نو شت
Hama vamoon nevesh	هاما وامون نِوش	We wrote	ما نو شتیم
Shema vadoon nevesh	شِما وادون نِوش	You (pl) wrote	شما نو شتید
Oova vashoon nevesh	اووا واشون نِوش	They wrote	آنها نو شتند

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mon ban shosh	مُون بِن شوش	I washed	من شستم
To bad shosh	تو بَد شوش	You washed	تو شستی
Ey bash shosh	ای بَش شوش	He/She washed	او شست
Hama moon beshosh	هاما مون بشوش	We washed	ما شستیم
shema doon beshosh	شِما دون بشش	You (pl) washed	شما شستید
Oova shoon beshosh	اووا شون بشوش	They washed	آنها شستند

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mon deran gira	مُون دِران گیرا	I took	من گرفتم
To deret gira	تو دِرِت گیرا	You took	تو گرفتی
Ey deresh gira	ای دِرِش گیرا	He/She took	او گرفت
Hama deremoon gira	هاما دِرِمون گیرا	We took	ما گرفتیم
Shema deretoon gira	شِما دِرِتُون گیرا	You (pl) took	شما گرفتید
Oova dereshoon gira	اووا دِرِشُون گیرا	They took	آن ها گرفتند

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mon shooma bekhodeh	مون شوما بِخُوْدِه	I had/ate dinner	من شام خوردم
To shoomet bekhodeh	تو شوْمِت بِخُوْدِه	You had/ate dinner	تو شام خوردی
Ey shoomesh bekhodeh	ای شوْمِش بِخُوْدِه	He/She had/ate dinner	او شام خورد
Hama shoomemoo n bekhodeh	هاما شوْمِْمون بِخُوْدِه	We had/ate dinner	ما شام خوردیم
Shema shoomedoo n bekhodeh	شِما شوْمِْدون بِخُوْدِه	You (pl) had/ate dinner	شما شام خوردید
Oova shoomesho n bekhodeh	اووا شوْمِْشون بِخُوْدِه	They had/ate dinner	آن ها شام خوردند

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mon bekhoteh boda	مُونِ بَخُوْتِه بُودَا	I was sleeping	من خوابیده بودم
To bekhoteh bodi	تو بَخُوْتِه بُودِی	You were sleeping	تو خوابیده بودی
Ey bekhoteh bo	ای بَخُوْتِه بُو	He/She was sleeping	او خوابیده بود
Hama bekhoteh bodim	هاما بَخُوْتِه بُودِیم	We were sleeping	ما خوابیده بودیم
Shema bekhoteh bodid	شِما بَخُوْتِه بُودِید	You (pl) were sleeping	شما خوابیده بودید
Oova bekhoteh bodan	اووا بَخُوْتِه بُودَن	they were sleeping	آن ها خوابیده

تلفظ	کاشانی	معنی	لغت
Mon beshoda	مُونِ بَشُودَا	I went	من رفتم
To beshodeh	تو بَشُدِه	You went	تو رفتی
Ey besho	ای بَشُو	He/She went	او رفت
Hama beshodim	هَما بَشُدِیم	We went	ما رفتیم
Shema beshodi	شِما بِه شُدِی	You went	شما رفتید
Oova beshodan	اووا بَشُودَن	They went	آن ها رفتند